

# دلالت‌های وضعیت منابع و مصارف ارزی کشور برامنیت اقتصادی

الناز باقرپور اسکویی<sup>۱</sup>

## چکیده

در اقتصاد ایران وضعیت کنونی بازار ارز به گونه‌ای است که در طرف عرضه بازار، عوامل بنیادی مستقیم و غیرمستقیم (صادرات متنوع کالاهای فاوارنه و کالاهای با ارزش افزوده بالا) تعیین‌کننده این بازار چندان فعال نیستند در حالی که تحقق بازار عمیق ارز مستلزم حضور عوامل بنیادی و مشارکت آن‌ها در تعیین قیمت در این بازار است. غیبت عوامل بنیادی یادشده بدین معنی است که نرخ‌های ارزی که در سال‌های گذشته در اقتصاد شکل گرفته‌اند، نرخ‌های عالمت‌دهنده صحیح نبوده‌اند. در طرف تقاضای ارز نیز تقاضا برای واردات، چه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و چه کالاهای مصرفی و چه خدمات مسافرتی، تا اندازه زیادی بی‌کشش است. از این‌رو اقداماتی در زمینه اولویت‌بندی تخصیص ارز به کالاهای وارداتی، جلوگیری از خروج سرمایه از کشور، استقلال نرخ ارز از بودجه، اهتمام به تولید داخلی، الزام به برگشت ارز تمام صادرکنندگان خرد و کلان بر اساس سند مقصد صادرات، انتقال جریان ارزی شرکت‌های تراستی به بانک مرکزی و تدوین و اجرای راهبردهای تجاری پیشنهاد می‌شود.

**واژگان کلیدی:** منابع ارزی، مصارف ارزی، نوسانات نرخ ارز، تولید، تحریم.

## مقدمه

وارادات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای، واسطه‌ای، واردات خدمات مسافرتی، حمل و نقل و خروج سرمایه عواملی هستند که با تغییر آن‌ها از کanal نرخ ارز، نوسانات نرخ ارز را موجب می‌شوند. از سوی دیگر، ارزیابی بازار ارز در ایران دلالت بر این دارد که نوسان‌های نرخ ارز تحت تأثیر سیاست‌های داخلی و نیز رویدادهای سیاسی از جمله تحریم‌های بین‌المللی است. بنابراین، نوسانات نرخ ارز از سویی به‌طور مستقیم به تأثیر تحریم‌های مالی و تجاری و سیاست‌های داخلی در اقتصاد ایران بستگی دارد و از سوی دیگر، تغییرات تقاضای ارز در اثر تحولات و

بررسی تحلیلی وضعیت ساختار بازار ارز در اقتصاد ایران نشان می‌دهد که نوسانات موجود در این بازار و به‌طورکلی عملکرد اقتصاد، تحت تأثیر چگونگی کارکرد و مدیریت طرفهای بازار ارز یعنی عرضه و تقاضای آن است؛ به‌طوری‌که بخش عمده‌ای از طرف عرضه ارز (منابع ارزی) را درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، گاز و میانات گازی تشکیل می‌دهد، اما طرف تقاضای ارز (مصارف ارزی) در مقایسه با عرضه آن، از تنوع بیشتری برخوردار بوده و از اجزای مختلفی تشکیل شده است. تغییر در

نوسانات شدیدی بود؛ به طوری که نرخ غیررسمی ارز که در اسفند سال ۱۳۹۰ معادل ۱۳۵۰ تومان بود، در پایان اسفند سال ۱۳۹۱، بالغ بر ۹۲ درصد افزایش یافت و به ۲۶۰۰ تومان رسید. از سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶، بازار ارز با مذاکرات و موضوع اجرای برجام با ثبات نسبی رو به رو بود و نرخ ارز تغییرات چندانی نداشت. در بهار سال ۱۳۹۷، بازار ارز در بی خروج آمریکا از برجام و فشار تحریم‌ها و کمبود درآمدهای ارزی دچار نوسانات شدید و التهاباتی شد؛ به گونه‌ای که قیمت دلار در ایران از ۵۸۰۰ تومان نیز فراتر رفت و در نیمه تیر سال ۱۳۹۷، هر دلار قریب ۹۰۰۰ تومان دادوستد شد. این قیمت در اوایل مرداد ۱۳۹۷، به ۱۴۰۰۰ تومان، در اواسط شهریور به ۱۴۰۰۰ تومان و در اوایل مهر همین سال به ۲۰۰۰۰ تومان رسید و شاهد افزایش شایان توجه نرخ ارز در این سال بودیم. در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۱ نیز به دلیل ناکارایی سیاست‌های اتخاذی و بی‌ثباتی‌های سیاسی داخلی و خارجی این نرخ با سرعت زیادی افزایش یافت.

تحقیق بازار عمیق ارز مستلزم حضور عوامل بنیادی و مشارکت این عوامل در تعیین قیمت در این بازار است. غیبت عوامل بنیادی یادشده بدین معنی است که نرخ‌های ارزی که در سال‌های گذشته در اقتصاد شکل گرفته‌اند، نرخ‌های عالمت‌دهنده صحیح نبوده‌اند.

اتفاقات مختلفی که در بخش‌های دیگر اقتصاد رخ می‌دهد، موجب شده است تا نرخ ارز نیز دچار تغییرات متفاوت شود.

در این باره پرسش‌هایی از جمله موارد زیر مطرح است که ضرورت دارد به آن‌ها پرداخته شود.

- مهم‌ترین عواملی بی‌ثباتی بازار ارز کدام‌اند؟
- برای مدیریت بهتر منابع و مصارف ارزی، دولت و بانک مرکزی چه اقداماتی را باید در دستور کار قرار دهند؟

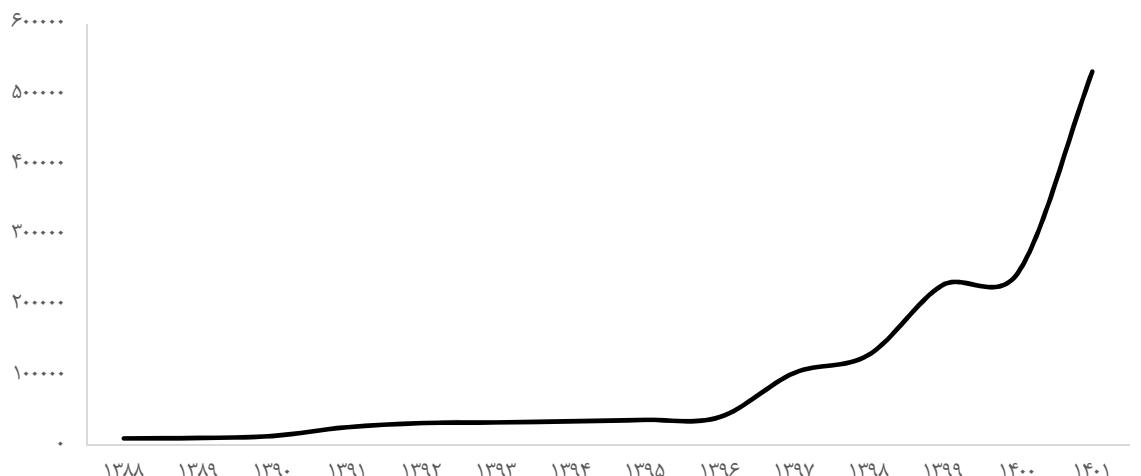
ساختار مطالعه حاضر بدین‌گونه است که در بخش نخست به تحلیل وضعیت موجود در اقتصاد پرداخته می‌شود؛ به طوری که ابتدا تغییرات نرخ ارز و تشریح نوسانات آن در بازار غیررسمی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در ادامه، تحلیل وضعیت موجود اجزای بازار ارز (منابع و مصارف ارزی در اقتصاد ایران) که متشكل از صادرات کالایی بخش‌های کشاورزی، صنعت و معدن، صادرات خدمات مسافرتی و حمل و نقل، واردات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای و واردات خدمات مسافرتی و حمل و نقل است، انجام می‌شود.

## ۱- تحلیل وضعیت موجود

носانات و جهش نرخ ارز یکی از مسائلی است که در دهه اخیر، اقتصاد ایران را با چالش‌های فراوانی مواجه کرده است؛ به طوری که نخستین جهش ارزی در این دهه مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ است که در این سال‌ها به دلیل تحریم‌های بین‌المللی، درآمد ارزی کشور کاهش یافت و بازار ارز شاهد



### نمودار ۱- بررسی روند نرخ ارز (ریال)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

### جدول ۱- وضعیت بازار ارز در دوره‌های مختلف زمانی

سال	وضعیت بازار ارز	علت
۱۳۵۲-۱۳۵۶	مازاد ارز	افزایش شدید درآمدهای نفتی و عدم جذب آن از طریق واردات
۱۳۵۷-۱۳۶۸	کمبود ارز	شروع اعتصابات در صنعت نفت و حوادث پیروزی انقلاب اسلامی و بروز جنگ تحمیلی
۱۳۶۸-۱۳۷۹	کمبود ارزی با وجود استقراض از خارج و ورود ارزهای مریبوط به آن	به گونه‌ای که دولت در سال ۱۳۷۲، اقدام به ایجاد نظام شناور مدیریت شده کرد که این نظام حتی برای یک روز هم دوام نیاورد. کاهش قیمت نفت در سال ۱۳۷۷ و مواجهه دولت با کمبود شدید ارز
۱۳۷۹-۱۳۹۰	مازاد ارز	افزایش عمدۀ قیمت نفت
۱۳۹۰ تا اکنون	کمبود ارز	فشار تحریم‌ها و کاهش صادرات نفت و محدودیت در دسترسی به درآمدهای ارزی کشور. در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ هم به دلیل افت شدید قیمت نفت، اقتصاد با کمبود ارز مواجه بود

## ۲- مروری بر شناسایی بازیگران معاملات ارز و تحلیل وضعیت منابع و مصارف ارزی کشور در سه دهه اخیر

برای تحلیل و بررسی وضعیت بازار ارز در اقتصاد ایران و به‌ویژه مدیریت ارز در شرایط کنونی اقتصاد (کاهش نوسانات و بی ثباتی‌های تحت تأثیر آن)، ابتدا بازیگران معاملات ارز و ساختار آن بازار مورد

در جدول شماره ۱ نیز وضعیت بازار ارز در دوره‌های مختلف زمانی به‌طور مختصر بررسی شده است.

ورود ارز در پورتفوها و تقاضای سفته بازی ارز نیز کشش یادشده را محدودتر کرده و مانع هرگونه اقدام اصلاحی در بخش حقیقی و ساختاری است.



از کشور خارج نمی‌کنند و احتمالاً دوباره در نقش دارند، آن را در داخل کشور می‌فروشند. عموماً جایه‌جایی ارز میان دارندگان و مشتریان از طریق واسطه‌ها صورت می‌گیرد. واسطه‌ها شامل بانک‌ها، صرافی‌های مجاز و دلالان غیرمجاز می‌شود. بازیگران جریان ارزی کشور را می‌توان به شکل دیگری نیز دسته‌بندی کرد. فعالیت اصلی برخی از این بازیگران در حقیقت، در تجارت (یا بازار کالا و خدمات) است، اما به عنوان عرضه‌کننده یا مقاضی به بازار ارز نیز مراجعه می‌کنند. صادرکنندگان، واردکنندگان و مسافران در این دسته قرار می‌گیرند. برخی از این‌ها در بازار رسمی تجارت و برخی دیگر در بازار غیررسمی تجارت (قاچاق کالا) فعالیت دارند. برخلاف این بازیگران جریان ارزی، برای دسته‌ای دیگر، فعالیت در بازار ارز فعالیت اصلی شمرده می‌شود. همه واسطه‌ها و سفته‌بازها در این دسته قرار می‌گیرند. بانک‌ها، صرافی‌های مجاز و گروهی از سفته‌بازان در بازار رسمی ارز و دلالان غیرمجاز و دیگر سفته‌بازها در بازار غیررسمی فعالیت می‌کنند.

---

فعالیت‌های سودآفرانه هیچ ربطی به عوامل بنیادی تعیین‌کننده ارز ندارد، اما در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر چنان شرایطی را ایجاد کرده که به طور منفرد تعیین‌کننده نرخ ارز در اقتصاد بوده است.

---

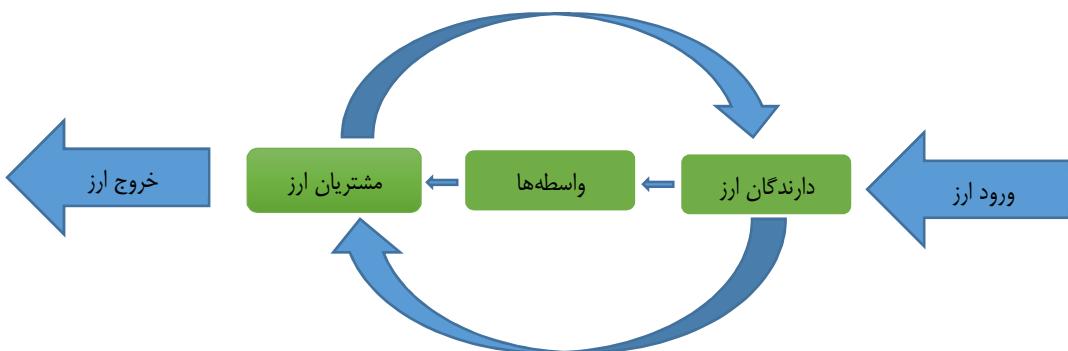
تحلیل قرار گرفته است و در ادامه، موضوع منابع و مصارف ارزی کشور و تحلیل روند آن در اقتصاد شناسایی و تشریح می‌شود.

## ۱-۲- معاملات ارز

اشراف متولی مدیریت بازار ارز (که در کشور ما بر اساس قانون پولی و بانکی، بانک مرکزی است) بر جریان ارز، نقشی تعیین‌کننده در کارایی مدیریت بازار ارز دارد. همان‌طور که از تعریف ارز مشخص است، ارزهای خارجی نمی‌تواند در یک کشور تولید شود، بلکه از طریق مبادلات پولی هر کشور با دیگر کشورها به دست می‌آید. همان‌طور که در شکل شماره ۱ نیز نشان داده شده است، موجودی ارزی کشور با ورود ارز از طریق مبادلات خارجی گروهی از افراد که ما آن‌ها را «دارندگان ارز» می‌نامیم، افزایش می‌یابد. صادرکنندگان (رسمی و غیررسمی)، سرمایه‌گذاران دارای ارز (مانند سرمایه‌گذاران خارجی، سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور که می‌خواهند سود خود را برگردانند و....)، مسافران خارجی و سفته‌بازان مهم‌ترین دارندگان ارز هستند؛ البته دسته آخر یعنی سفته‌بازان ارز به سمت دیگر جریان ارزی، «مشتریان ارز» هستند که با خرید و مصرف ارز در مبادلات خارجی، موجودی ارز را کم می‌کنند. واردکنندگان (رسمی و غیررسمی)، سرمایه‌گذاران مقاضی ارز، مسافران به خارج از کشور و سفته‌بازان ارز مهم‌ترین گروه‌های مشتری ارز هستند. در این سمت نیز سفته‌بازان ارز لزوماً ارز را

۱. ارز یا پول خارجی، ابزار مبادلات بین‌المللی برای پرداخت است که به صورت اسکناس، حواله، پول الکترونیکی و... است. ارزهای مختلف با نرخ‌های مشخص به یکدیگر تبدیل می‌شوند.



**شکل ۱- شمای کلی بازار ارز**


بازار ارز را تخریب می‌کند. تزییق حجم بالای نقدینگی توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی و حتی شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌های دولتی به بازار ارز و خرید و فروش سوداگرانه ارز توسط صرافی‌ها سبب تشدید این وضعیت می‌شود. فعالیت‌های سوداگرانه هیچ ربطی به عوامل بنیادی تعیین‌کننده ارز ندارد، اما در اقتصاد ایران در سال‌های اخیر چنان شرایطی را ایجاد کرده که به طور منفرد تعیین‌کننده نرخ ارز در اقتصاد بوده است. بنابراین، تا وقتی بازار عمیق در اقتصاد شکل نگرفته است، باید از فعالیت سوداگرانه روی ارز جلوگیری شود (شاکری، ۱۳۹۵).

**۲-۲- تحلیل وضعیت منابع و مصارف ارزی کشور**  
موضوع ارز در اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران بسیار پیچیده‌تر و مفصل‌تر از آن چیزی است که در کشورهای توسعه‌یافته درباره آن بحث می‌شود. در اقتصادهایی مانند ما، وضعیت عرضه و تقاضای ارز (به‌خصوص عرضه ارز) با حضور و نوسانات درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت، وضعیتی مبهم، نامشخص و ناپایدار دارد. از آنجاکه ارزهای پرنوسان نفتی در بودجه دولت وارد شده و بودجه را به خود وابسته کرده است، تولید کالاهای

در اقتصاد ایران، وضعیت کنونی بازار ارز به‌گونه‌ای است که در طرف عرضه بازار ارز، عوامل بنیادی مستقیم و غیرمستقیم (صادرات متنوع کالاهای فناورانه و کالاهای با ارزش افزوده بالا) تعیین‌کننده در بازار ارز چندان فعل نیستند و با هم تعامل درونزا و مکمل ندارند در حالی که تحقق بازار عمیق ارز مستلزم حضور عوامل بنیادی و مشارکت این عوامل در تعیین قیمت در این بازار است. غیبت عوامل بنیادی یادشده بدین معنی است که نرخ‌های ارزی که در سال‌های گذشته در اقتصاد شکل گرفته‌اند، نرخ‌های علامت‌دهنده صحیح نبوده‌اند. در طرف تقاضای ارز نیز تقاضا برای واردات، چه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و چه کالاهای مصرفی و چه خدمات مسافرتی، تا اندازه زیادی بی‌کشش است. ورود ارز در پورتفووها و تقاضای سفته‌بازی ارز نیز کشش یادشده را محدودتر کرده و مانع هرگونه اقدام اصلاحی در بخش حقیقی و ساختاری است؛ به‌گونه‌ای که به‌محض بروز کمبود ارز، هجوم فعالیت‌های سفته‌بازانه به این بازار و خرید سوداگرانه آغاز می‌شود. این وضعیت هم تلاش‌های صورت‌گرفته برای شکل‌گیری بازار ارز را ابتدا می‌کند و هم عوامل بنیادی ضعیف شکل‌گرفته در

ایران هستند و مدیریت بازار ارز و ارائه راهکارهای مؤثر در این باره منوط به بررسی وضعیت منابع و مصارف ارز و تحلیل روند آن است.

جدول‌های شماره ۲ و ۳ به ترتیب میزان کل منابع و مصارف ارزی کشور و به تفکیک اجزا را در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ براساس آخرین آمارهای در دسترس نشان می‌دهد.

صنعتی، کشاورزی و حتی خدمات هم از مجرای نیاز وارداتی کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مواد اولیه، به درآمدهای ارزی نفتی وابسته شده است. قابلیت دسترسی و قیمت کالاهای اساسی مصرفی و دارویی هم به خاطر کشش ناپذیری واردات در این عرصه، به ارز و قیمت آن وابسته است. مصارف ارزی نیز به لحاظ خروج سرمایه و واردات غیررسمی دارای شرایط خاصی در اقتصاد

**جدول ۲ - کل منابع و مصارف عمده ارزی کشور در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ (میلیون دلار)**

سال	کل منابع	کل مصارف	موازنه کل
۱۳۸۸	۱۰۶۴۸۲	۱۰۶۰۸۴	۳۹۸
۱۳۸۹	۱۳۰۷۲۷	۱۲۹۹۷۰	۷۵۷
۱۳۹۰	۱۵۷۵۴۰	۱۵۳۲۶۰	۴۲۸۰
۱۳۹۱	۱۱۰۹۸۷	۱۱۲۲۳۶	-۱۲۴۹
۱۳۹۲	۱۰۷۹۱۵	۱۱۰۴۶۲	-۲۵۴۷
۱۳۹۳	۱۰۴۷۷۷	۱۰۸۳۰۲	-۳۵۲۵
۱۳۹۴	۸۱۳۹۱	۸۱۸۲۳	-۴۳۲
۱۳۹۵	۹۹۸۳۴	۸۷۰۳۷	۱۲۷۹۷
۱۳۹۶	۱۱۲۲۳۵	۹۹۹۰۴	۱۲۳۳۱
۱۳۹۷	۱۰۸۴۷۵	۸۸۰۲۶	۲۰۴۴۹
۱۳۹۸	۷۷۴۱۹	۸۲۵۲۹	-۵۱۱۰
۱۳۹۹	۵۸۰۷۱	۶۵۹۰۴	-۷۸۳۳
۱۴۰۰	۹۰۲۰۶	۹۲۳۴۱	-۲۱۳۵

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۲.

دارای ویژگی چسبندگی بوده و به اندازه کمتری نسبت به کاهش منابع یادشده کاهش یافته است که این نشان از عدم مدیریت در میزان طرف تقاضای ارز در اقتصاد است. با کاهش درآمدهای ارزی، اقتصاد با یک کسری مواجه می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، زمانی که منابع ارزی ناشی از صادرات نفت در کشور افزایش یافته (که بالاترین میزان آن مربوط به سال ۱۳۹۰، حدود ۱۵۷۵۴۰ میلیون دلار بوده است)، مصارف ارزی نیز بالا بوده، اما با کاهش درآمدهای ارزی، مصارف ارزی



### جدول ۳- منابع و مصارف ارزی کشور به تفکیک اجزا در دوره ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۲ (میلیون دلار)

سال	منابع ارزی					مصارف ارزی				
	صادرات					وارادات				
نفتی	کالایی	خدماتی	کل صادرات	ورود سرمایه	کالاها	خدمات	کل واردات	خرجه سرمایه	مصارف ارزی	
۱۳۸۸	۶۶۱۹۰	۲۱۸۹۲	۹۸۶۵	۹۷۹۴۷	۸۵۳۵	۶۹۲۴۷	۱۹۵۶۹	۸۸۱۶	۱۷۲۶۸	
۱۳۸۹	۸۶۱۹۳	۲۶۵۵۱	۱۰۸۰۴	۱۲۳۵۴۹	۷۱۷۸	۷۵۴۵۸	۲۰۷۶۵	۹۶۲۲۳	۳۳۷۴۷	
۱۳۹۰	۱۱۲۶۲۳	۳۳۸۱۹	۱۰۵۷۴	۱۵۷۰۱۶	۵۲۴	۷۸۰۲۷	۲۰۲۵۲	۹۸۲۷۹	۵۴۹۸۱	
۱۳۹۱	۶۳۱۷۴	۳۲۵۶۷	۱۱۵۹۵	۱۰۷۳۳۷	۳۶۵۰	۶۸۷۳۴	۱۷۳۰۶	۸۰۴۰	۲۶۱۹۶	
۱۳۹۲	۵۸۸۳۲	۳۱۵۵۲	۱۲۵۸۳	۱۰۳۹۶۷	۴۹۴۸	۶۳۵۸۴	۱۷۳۷۰	۸۰۹۵۴	۲۹۵۰۸	
۱۳۹۳	۴۸۱۷۷۴	۳۶۵۵۵	۱۴۰۵۰	۹۹۳۷۹	۵۳۹۸	۷۰۹۱۵	۱۹۰۸۳	۸۹۹۹۸	۱۸۳۰۴	
۱۳۹۴	۲۶۹۴۹	۳۵۶۰۹	۱۳۰۳۱	۷۵۵۸۹	۵۸۰۲	۵۷۶۴۱	۱۷۵۷۵	۷۵۲۱۶	۶۶۰۷	
۱۳۹۵	۵۰۲۴۰	۳۶۷۷۲	۱۲۸۲۲	۹۹۸۳۴	–	۶۳۴۴۵	۱۸۶۴۰	۸۰۷۴۴	۶۲۹۳	
۱۳۹۶	۵۹۷۶۳	۳۹۹۱۹	۱۲۵۵۳	۱۱۲۲۳۵	–	۷۳۸۴۰	۲۰۵۴۲	۹۴۳۸۲	۵۵۲۲	
۱۳۹۷	۵۴۱۳۹	۳۹۵۸۰	۱۴۷۵۶	۱۰۸۴۷۵	–	۶۱۸۴۷	۲۰۱۶۰	۸۲۰۰۷	۶۰۱۹	
۱۳۹۸	۲۲۳۶۴	۴۱۴۲۳	۱۳۶۳۲	۷۷۴۱۹	–	۵۸۰۹۰	۱۸۱۲۱	۷۶۲۱۱	۳۶۵	
۱۳۹۹	۱۷۸۵۰	۳۴۸۶۰	۵۳۶۱	۵۸۰۷۱	–	۴۶۶۱۲	۹۹۵۹	۵۶۵۷۱	۶۳۱۸	
۱۴۰۰	۳۳۹۷۳	۴۰۷۴۸	۷۷۹۳	۹۰۲۰۶	–	۶۳۶۲۵	۱۳۶۴۷	۷۷۲۷۲	۹۳۳۳	
۱۴۰۱	۵۵۴۱۰	۴۲۲۴۶	۹۹۰۲	۱۰۷۵۵۸	–	۷۵۴۰۹	۱۶۵۹۳	۹۲۰۰۲	۱۵۰۶۹	
۱۴۰۲	۱۳۶۲۶	۹۹۲۶	۲۲۶۳	۲۵۸۱۵	–	۱۷۳۳۸	۴۰۴۳	۲۱۳۸۱	۹۳۵۴	

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۲.

۵۷۹۳۴ میلیون دلار بوده است. این رقم برای صادرات کالا، ۳۵۳۴۵، برای صادرات خدمات، ۱۱۹۴۹ و برای ورود سرمایه نیز به‌طور متوسط تا سال ۱۳۹۵ بر اساس آخرین داده‌های در دسترس، ۴۳۱۹ میلیون دلار بوده است. همچنین، شواهد موجود حاکی است که در دهه ۱۳۹۰، درآمدهای ارزی که عمدۀ آن ناشی از صادرات نفت است، به‌شدت کاهش یافته و در سال ۱۳۹۹ به کمترین میزان آن در ۱۲ سال اخیر یعنی حدود ۵۸۰۷۱ میلیون دلار رسیده است. در قسمت مصارف ارزی نیز ملاحظه می‌شود، واردات کالا بیشترین ارز مصرفی را در طول دوره مورد بررسی در مقایسه با اجزای دیگر به خود اختصاص داده است. در ادامه، منابع و

مطابق با جدول شماره ۳، منابع ارزی کشور شامل صادرات نفت و گاز، صادرات کالاهای غیرنفتی، صادرات خدمات و انتقالات ارزی از خارج به داخل (ناشی از عوامل سرمایه، نیروی کار و ورود سرمایه) است. همچنین، مصارف ارزی عمدۀ نیز واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی، واردات خدمات و انتقالات ارزی از داخل به خارج (ناشی از عوامل سرمایه و نیروی کار خارجیان در داخل کشور، خروج سرمایه از کشور و...) است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بخش عمدۀ منابع ارزی کشور حاصل درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت بوده؛ به‌طوری‌که متوسط درآمد ارزی سالانه صادرات نفت در دوره مورد بررسی حدود

ناحیه یک عضو پیوندی بروزنزا به نام نفت انجام می‌شود و سازگاری چندانی با وضعیت عوامل بنیادی عرضه ارز که در اقتصادهای متعارف فعال هستند، ندارد؛ یعنی عرضه ارز تابعی از قیمت نفت، مقدار صادرات آن و میزان دستیابی به درآمدهای نفتی است. این اشارات بسیار مهمی برای نرخ ارزی که با وضعیت درآمد نفت تعیین می‌شود، دارد.

مصارف ارزی کشور به تفکیک اجزا با توجه به آخرین داده‌های در دسترس مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳-۲- منابع ارزی به تفکیک اجزا

- صادرات نفت: بخش اعظم منابع ارزی کشور را درآمدهای حاصل از صادرات نفت تشکیل می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عرضه ارز عمدتاً از

جدول ۴- سهم صادرات نفت و گاز از کل صادرات در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ (میلیون دلار- درصد)

سال	کل صادرات	الصادرات نفت و گاز	سهم صادرات نفت و گاز
۱۳۸۸	۸۸۳۲۶	۶۹۹۵۷	۷۹/۲
۱۳۸۹	۱۱۲۷۸۸	۹۰۱۹۱	۷۹/۹۷
۱۳۹۰	۱۴۵۸۰۶	۱۱۹۱۴۸	۸۱/۷۲
۱۳۹۱	۹۷۲۷۱	۶۸۰۵۸	۶۹/۹۷
۱۳۹۲	۹۳۱۲۴	۶۴۸۸۲	۶۹/۶۷
۱۳۹۳	۸۶۴۷۱	۵۵۳۵۲	۶۴/۰۱
۱۳۹۴	۳۳۵۶۹	۶۴۵۹۷	۵۱/۹۶
۱۳۹۵	۵۵۷۵۲	۸۳۹۷۸	۶۶/۳۸
۱۳۹۶	۶۵۸۱۸	۹۸۱۴۳	۶۷/۰۶
۱۳۹۷	۶۰۷۳۵	۹۳۳۹۰	۶۵/۰۳
۱۳۹۸	۲۹۰۱۶	۵۹۳۹۱	۴۸/۸۵
۱۳۹۹	۲۱۰۴۳	۴۹۸۴۸	۴۲/۲۱
۱۴۰۰	۳۸۷۲۳	۷۹۴۷۰	۴۸/۷۲

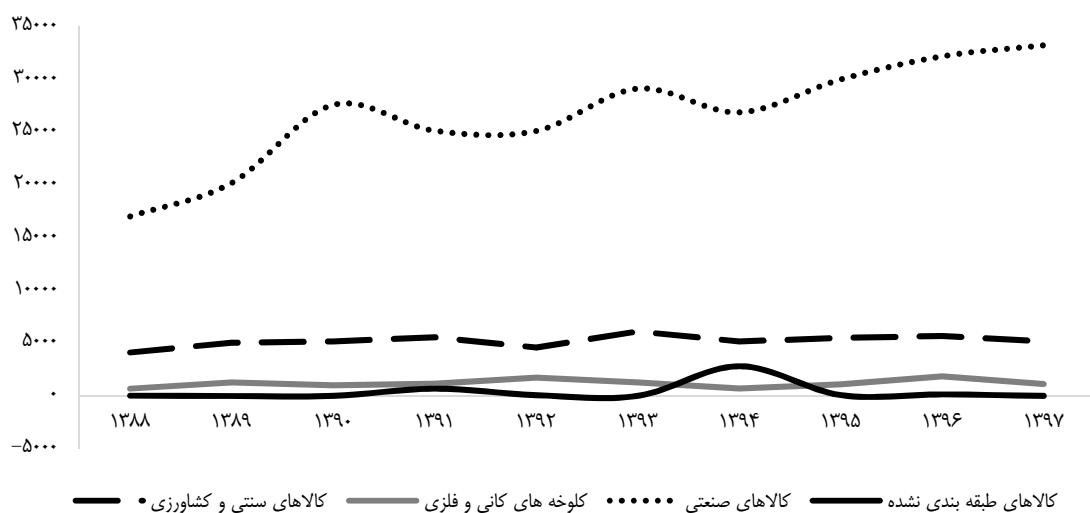
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۲.

است). بر اساس این نمودار، تقریباً ۷۸ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی در بخش صنعت صورت می‌گیرد. صادرات بخش کشاورزی و دیگر کالاهای طبقه‌بندی نشده نیز به ترتیب حدود ۱۸ و یک درصد کل صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، کالاهای صنعتی بیشترین سهم را در صادرات کالاهای غیرنفتی به خود اختصاص داده‌اند. صادرات بخش کشاورزی نیز در رتبه ۲ صادرات کالاهای غیرنفتی قرار دارد.

- صادرات کالا: نمودار شماره ۲ اجزای صادرات کالایی (کالاهای سنتی و کشاورزی، کلوخه‌های کانی و فلزی، کالاهای صنعتی و کالاهای طبقه‌بندی‌نشده) را برای دوره مطالعه بر اساس آخرین داده‌های در دسترس و انتشار یافته نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در بخش صادرات غیرنفتی شواهد موجود نشان می‌دهد فاصله صادرات کالاهای تولیدی بخش صنعت با بخش‌های دیگر بسیار زیاد است (البته به لحاظ میزان مطلق، عدد آن ناچیز



نمودار ۲- روند صادرات کالاهای غیرنفتی در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)

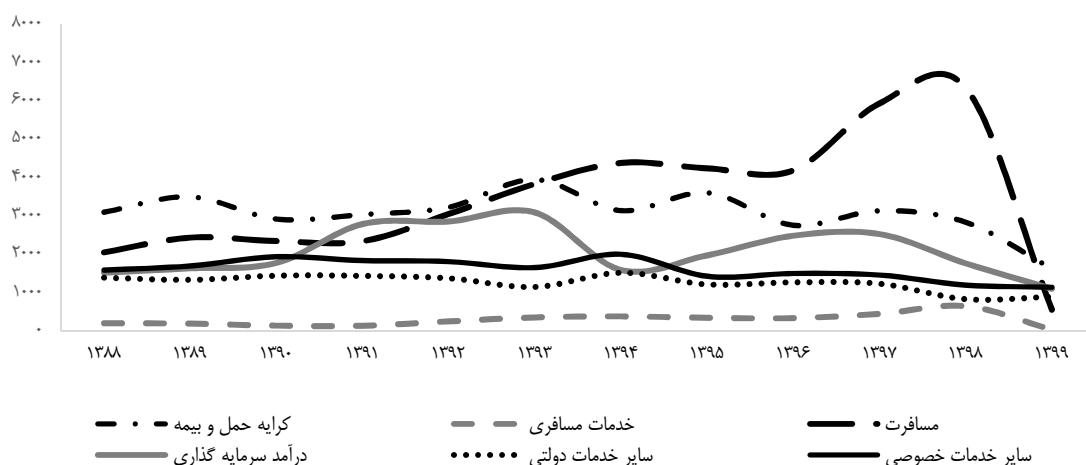


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۲.

صادرات خدمات (طی سالهای ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۹) براساس آخرین آمار در دسترس) به تفکیک نشان می‌دهد که به‌ویژه در سه جزء اصلی یعنی خدمات کرایه حمل و بیمه، مسافرت و درآمد سرمایه‌گذاری بیشترین نوسانات وجود دارد و در عین حال، بیشترین صادرات بخش خدمات به این زیربخش‌ها تعلق دارد.

- درباره صادرات خدمات به رغم روند نسبتاً ثابت آن تا سال ۱۳۹۷، پس از آن کاهش یافته و در سال ۱۳۹۹، به کمترین میزان در سالهای مورد بررسی، حدود ۵۳۶۱ میلیون دلار رسیده است (جدول شماره ۳). نمودار شماره ۳ نوسانات عملده در میان اجزای صادرات فوق را به خوبی نشان می‌دهد. تحلیل روند تغییرات اجزای

نمودار ۳- روند اجزای صادرات خدمات در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)

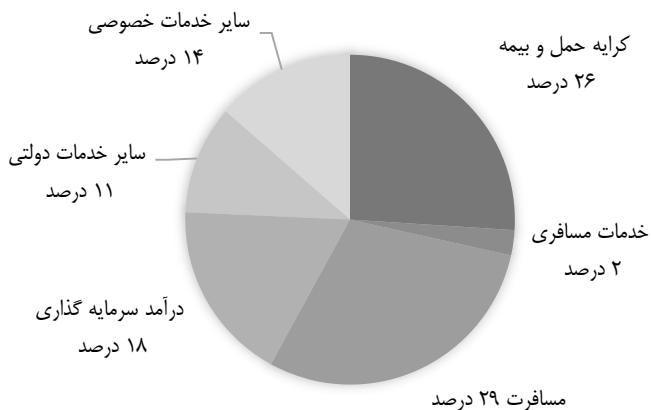


مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۲.

سال ۱۳۹۷ به بعد، منابع ارزی حاصل از این زیربخش و دیگر بخش‌ها با آغاز روند صعودی نرخ ارز، کاهش یافته است و افت محسوسی در آن مشاهده می‌شود؛ به طوری که در سال ۱۳۹۹، میزان منابع ارزی مسافرت به کمترین میزان خود در دهه اخیر رسیده و جزو زیربخش‌های ارزآور پایین در این سال شمرده شده، اما شدت رشد این منبع در سال‌های پیش، بیشترین درآمد ارزی را در میان بخش‌های یادشده داشته است. نمودار شماره ۴ متوسط سهم هرکدام از اجزای بخش صادرات خدمات را در دوره مورد بررسی نشان می‌دهد.

همان‌طور که از نمودار بالا ملاحظه می‌شود، به‌طورکلی، زیربخش‌های خدمات مسافری، سایر خدمات دولتی و سایر خدمات خصوصی دارای روند مشابهی از نظر درآمد ارزی کسب شده هستند (البته با نرخ رشد ملایم‌تری نسبت به زیربخش مسافرت). همچنین، کمترین سهم را در منابع ارزی صادرات، خدمات در دوره مورد مطالعه دارند. شواهد موجود نشان می‌دهد ارزآوری بخش مسافرت از سال ۱۳۹۲ به بعد نسبت به دیگر بخش‌ها افزایش یافته و نقش مهم‌تری را در این حوزه برای کسب منابع ارزی ایفا کرده است، اما از

نمودار ۴- متوسط سهم هریک از اجزای صادرات خدمات در دوره مورد بررسی (درصد)



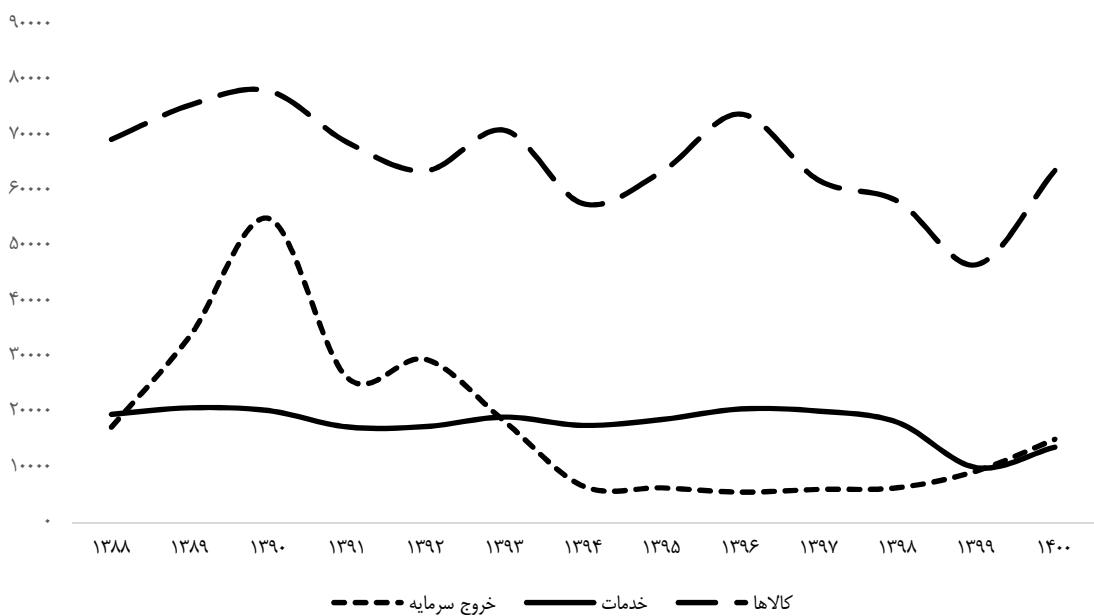
مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۲.

**۲-۴- مصارف ارزی به تفکیک اجزا**  
مصارف ارزی مورد بررسی مطالعه حاضر، واردات کالا، واردات خدمات و انتقالات ارزی از داخل به خارج (ناشی از عوامل سرمایه و نیروی کار خارجیان در داخل کشور، خروج سرمایه کشور و...) است. نمودار شماره ۵ روند مربوط به هریک از مصارف یادشده را نشان می‌دهد.

- ورود سرمایه: بر اساس آخرین آمارهای در دسترس، تا سال ۱۳۹۴، ورود سرمایه در طول دوره تقریباً دارای روند ثابتی بوده و تنها از سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴، مقدار آن به‌طور عمده‌ای افزایش یافته و از ۵۲۴ میلیون دلار، به ۵۸۰۲ میلیون دلار در سال ۱۳۹۴ رسیده است. دلیل این افزایش، می‌تواند تعییر سیاست‌های خارجی و فضای سیاسی کشور و شروع مذاکرات هسته‌ای از اوایل سال ۱۳۹۲ باشد.



### نمودار ۵- اجزای مصارف ارزی کشور در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

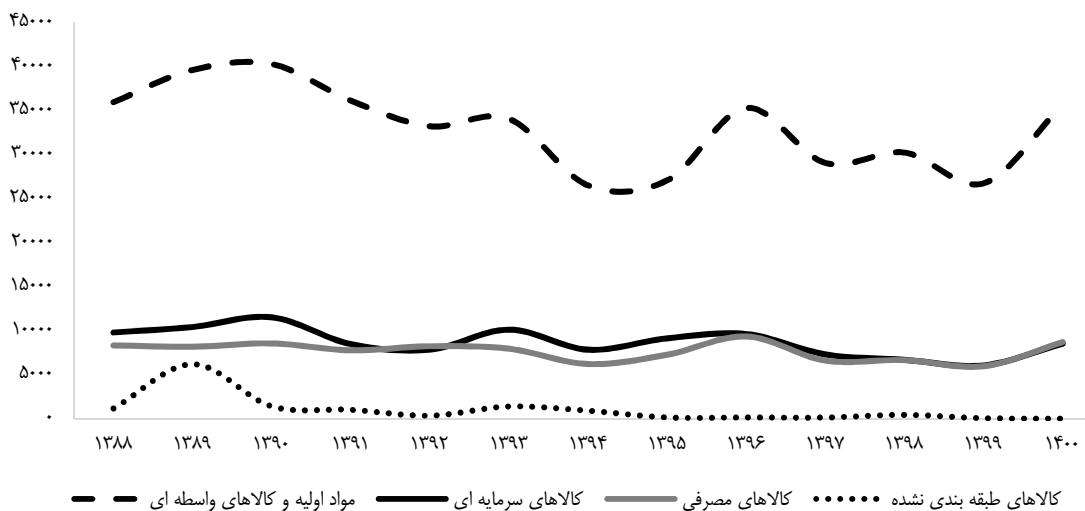
روند و سهم هریک از آنها در واردات کل کالایی و مصارف ارزی بررسی می‌شود. پس از آن، اجزای واردات خدمات و جزء خروج سرمایه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- **روند تغییرات اجزای واردات کالایی:** بر اساس نمودار شماره ۶، میزان ارز مصرفی برای واردات کالاهای اولیه و واسطه‌ای در مقایسه با دیگر کالاهای بسیار بیشتر است و سهم عمدۀ واردات کالایی به این نوع واردات اختصاص دارد. همچنین، روند آن نوسانات شدیدتری نسبت به دیگر اجزا (کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و کالاهای طبقه‌بندی‌نشده) دارد؛ البته واردات کالاهای سرمایه‌ای و مصرفی ضمن اینکه همواره دارای ارزش کمتری نسبت به واردات کالاهای واسطه‌ای است، از روند نسبتاً باثباتی نیز برخوردار است.

همان‌طور که در نمودار بالا ملاحظه می‌شود، واردات کالاهای (واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی) بیشترین ارز مصرفی را در طول دوره مورد بررسی داشته است که سهم زیادی در مقایسه با اجزای دیگر دارد. در اینجا واردات خدمات تا سال ۱۳۹۸، از روند ثابتی در دوره برخوردار بوده و در سال ۱۳۹۹ روند کاهشی داشته و در سال ۱۴۰۰، میزان آن افزایش یافته است. در این‌بین، جزء خروج سرمایه نوسان بیشتری هم در خود مقادیر و هم در سهم مصرف ارزی نسبت به دو جزء دیگر دارد و به رغم روند کاهشی و نوسان کم آن در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷، از آن پس، سهم مربوط به خروج سرمایه افزایش یافته است.

در ادامه، ابتدا اجزای واردات کالاهای به تفکیک واردات کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی و

نمودار ۶- روند تغییرات اجزای واردات کالایی در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

خدمات است. در بررسی روند تغییرات اجزای واردات خدمات مشاهده می‌شود که تقاضای ارز در بخش مسافت در بیشتر سال‌ها بخش زیادی از مصارف ارزی بخش خدمات را در طول دوره تشکیل می‌دهد. این در حالی است که اجزای دیگر از جمله واردات حمل و بیمه، سایر خدمات دولتی و هزینه سرمایه‌گذاری و سایر اجزا سهم کمتری در تقاضای واردات داشته‌اند. این سهم برای خدمات بالا از سال ۱۳۹۶ کاهش یافته و در سال ۱۳۹۹ به کمترین میزان در دهه اخیر رسیده است.

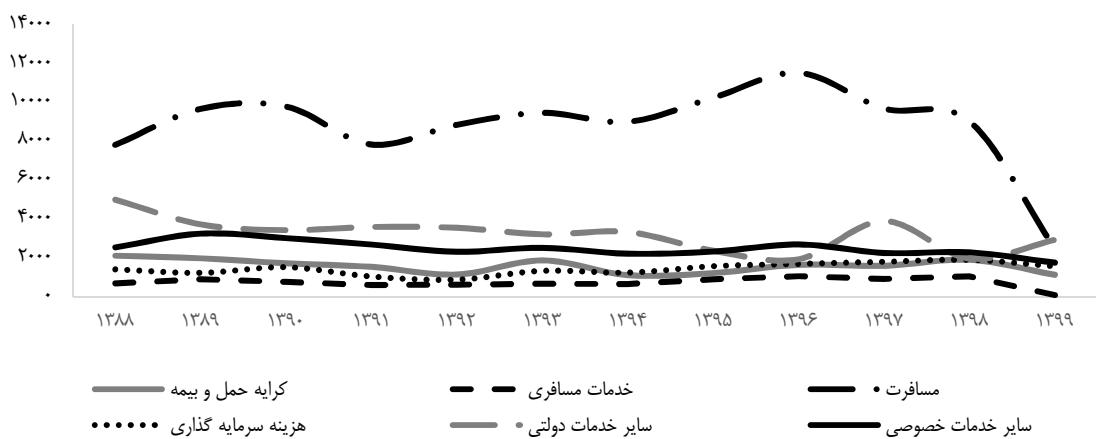
وقتی عمدۀ صادرات کشور به محصولات سنتی، محصولات خام و میانات گازی و کلوخه‌های فلزی محدود باشد، با افزایش نرخ ارز نمی‌توان انتظار ارتقای صادرات را داشت.

نکته اصلی این است که با وجود روند نوسانی و کاهشی واردات کالاهای مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای در دهه ۱۳۹۰، سهم آن در مقایسه با سهم مربوط به کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای شایان مقایسه نبوده و میزان بالایی داشته است. به عبارتی، با وجود اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه علیه کشور که با کاهش واردات کالایی همراه بوده است، سهم واردات کالاهای واسطه‌ای همچنان در سطح بالا قرار داشته و بخش عمده‌ای از مصارف ارزی در این بخش هزینه شده است. در این دوره، کاهش منابع ارزی به‌ویژه از ناحیه کاهش درآمدهای نفتی اتفاق افتاده است، اما سهم مصارف ارزی واردات کالاهای واسطه‌ای به همان نسبت سال‌های پیش حفظ شده و تغییر چندانی نکرده است. در واقع، شواهد موجود حاکی از چسبندگی کل مصارف ارزی در مقابل کاهش منابع ارزی است.

- **واردات خدمات:** یکی دیگر از اجزای طرف تقاضای ارز مربوط به مصارف ارزی کشور، واردات



نمودار ۷- روند تغییرات اجزای واردات خدمات در دوره مورد بررسی (میلیون دلار)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۱۴۰۲.

تقاضای ارز در مقابل این کاهش مقاومت کرده و در برخی موارد واردات کالاهای واسطه‌ای افزایش یافته است. این موضوع به طور عمده‌ای کسری تراز پرداخت‌ها و ایجاد عدم تعادل در بخش‌های مختلف اقتصادی را منجر می‌شود. جالب این است که آثار تحلیلی و سیاستی بسیار مفیدی بر این نکته مبنی می‌شود.

اساساً مجرای عرضه ارز در بازار ارز هر کشور صادرات آن و جریان ورود سرمایه است. اگر در گذشته عرضه نفت توسط صادرکنندگانی مانند ایران کشش‌پذیری بالایی داشت و تقاضای آن توسط خارجی‌ها کم‌کشش بوده، امروزه به‌خاطر وابستگی تولیدی، مصرفی و بودجه‌ای کشور به درآمدهای نفت، عرضه نفت بی‌کشش شده و تقاضای آن به‌خاطر کشف منابع جدید نفتی در آمریکا و جایگزینی‌های انجام شده (و همچنین، تحریم‌های اعمالی از سوی کشورهای غربی) پرکشش شده است. این نشان می‌دهد که ما در صادرات تک محصولی نفت هم وضعیت مناسبی نداریم. درباره صادرات غیرنفتی نیز عرضه محصولات صادرات ایران به لحاظ فناوری و کیفیت و حتی کمیت بی‌کشش

- خروج سرمایه: جزء خروج سرمایه نوسان بیشتری هم در خود مقادیر و هم در سهم مصرف ارزی نسبت به دو جزء دیگر دارد و از سال ۱۳۹۸ به بعد، روند سهم مربوط به خروج سرمایه از مصارف ارزی کشور افزایش یافته است (نمودار شماره ۷). خروج سرمایه پدیده‌ای اقتصادی-اجتماعی است که علل متعددی دارد که مهم‌ترین آن‌ها پیش‌بینی ناپذیر بودن وضعیت سیاسی و اقتصادی، خلاصه‌ای موجود در سیاست عمومی کشور در حمایت از سرمایه، موانع کسب‌وکار و دشوار بودن آغاز و ادامه فعالیت اقتصادی، ریسک بالای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری و خرید دارایی در خارج از کشور مانند خرید مسکن، سرمایه‌گذاری در قالب احداث شرکت یا خرید دارایی مالی (اوراق بهادر، سپرده بانکی یا رمزارزها) است.

بر اساس مشاهدات ارائه شده تا اینجا ملاحظه شد که با افزایش منابع ارزی به‌ویژه درآمد حاصل از صادرات نفت، اغلب اجزای مصارف ارزی نیز روند افزایشی به خود می‌گیرند، اما هنگام کاهش درآمدهای ارزی به دلیل ویژگی چسبنده‌گی مصارف ارزی، اغلب اجزای اصلی

بخشی از واردات ما، کالاهای اساسی، دارو و کالاهای پژوهشکی است که مقدار آن زیاد و همیشه سعی شده است که نرخ‌های پایین ارز برای آنها در نظر گرفته شود تا رفاه مردم را به طور شدید کاهش ندهد. در دوره‌های اخیر نیز شاهدیم که با کمبود منابع ارزی و افزایش نرخ ارز چگونه قیمت این نوع کالاهای بی ثبات شده است.

### ۳- تحلیل مسئله از نظر امنیت اقتصادی

در اقتصاد ایران، صادرات نفتی به عنوان مهم‌ترین بخش صادرات، اصلی‌ترین منبع کسب درآمدهای ارزی است. در واقع، درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت وضعیت عرضه ارز را مشخص می‌کند و ازانجاكه تراز تجاری غیرنفتی کشور عموماً منفی است، نشان‌دهنده عدم رقابت‌پذیری کالاهای تولید داخل و ضعف در تولید داخل است. بنابراین، هرگونه کاهش درآمدهای ارزی کشور به دلیل ناطمنی و بی‌ثباتی ای که در فضای اقتصاد جامعه ایجاد می‌کند، موجب هجوم فعالیت‌های سوداگرانه به بازار ارز می‌شود و جهشی بزرگ را در نرخ ارز ایجاد می‌کند. در واقع، اگر مدیریت و نظارت‌های دقیق اعمال نشود، شرایط ارزی اقتصاد کشور دستخوش بی‌ثباتی می‌شود. برای مثال، در سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۳، ۱۳۹۱-۱۳۹۰ و ۱۳۹۷ به بعد، سیاست تعديل ساختاری، تحریم و کاهش درآمدهای نفتی و به‌تبع آن، کمبود درآمدهای ارزی و قرار گرفتن ایران در فهرست سیاه گروه اقدام ویژه مالی<sup>۱</sup> از جمله عوامل جهش ارزی در اقتصاد ایران بوده‌اند. بنابراین، تا هنگامی که فضای ناطمنی و

است و تقاضای خارجیان برای آن به خاطر وجود جانشین‌ها و عرضه کالاهای رقیب، کاملاً پرکشش است. در یک وضعیت، صادرات می‌تواند شامل کالاهای سنتی، محصولات کشاورزی و کالاهای با ارزش افزوده پایین و خام باشد و در وضعیت مقابل می‌تواند شامل کالاهای با ارزش افزوده بالای کشاورزی و صنعتی، کالاهای با فناوری بالا و پرطرفدار باشد. در وضعیت نخست، کشش عرضه صادرات محدود است، اما در حالت دوم، صادرات تجلی پویایی و بالندگی اقتصاد است و حالت خودتقویت‌کننده و خودتعدیل‌شونده دارد. در چنین وضعیتی، طبیعتاً عرضه صادرات پرکشش است و نسبت به علامت‌دهی قیمت‌ها عکس العمل سریع و قطعی نشان می‌دهد. این در حالی است که صادرات با فناوری بالا در اقتصاد ما تقریباً موضوعیت ندارد. بنابراین، وقتی عمدۀ صادرات کشور به محصولات سنتی، محصولات خام و میانات گازی و کلوخه‌های فلزی محدود باشد، با افزایش نرخ ارز نمی‌توان انتظار ارتقای صادرات را داشت (شاکری، ۱۳۹۵).

به طور مسلم واکنش واردات به تغییرات نرخ ارز به کشش واردات بستگی دارد. در اقتصاد ایران در قلمرو تولید از تولیدات صنعتی گرفته تا تولید روغن‌نباتی و دام و طیور بهشدت به واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد اولیه وابسته است. ازین‌رو با افزایش نرخ ارز و کمبود درآمدهای ارزی، واردات در این حوزه در صورتی کاهش می‌یابد که کاهش تولید داخلی که به واردات وابسته است و رکود بیشتر داخلی که پیامد این موضوع است نیز پذیرفته شود.



## نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

در مطالعه حاضر، ابتدا تحلیل وضعیت موجود در بازار ارز و روند تغییرات هریک از اجزای مربوط به منابع و مصارف ارزی ارائه و ملاحظه شد که بخش عمدات از طرف عرضه ارز (منابع ارزی) را درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت، گاز و میانات گازی تشکیل می‌دهد اما طرف تقاضای ارز (مصارف ارزی) در مقایسه با عرضه آن، از تنوع بیشتری برخوردار بوده و از اجزای مختلفی تشکیل شده است؛ به گونه‌ای که در طرف تقاضای ارز، واردات کالاها بهویژه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای بیشترین ارز مصرفی را در طول دوره مورد بررسی داشته و خروج سرمایه در کشور بهخصوص از سال ۱۳۹۷ به بعد، رتبه ۲ مصارف ارزی را به خود اختصاص داده است. درین‌بین، بخش واردات خدمات از مصارف کل ارزی در دوره مورد مطالعه در مقایسه با دو بخش دیگر واردات کالایی و خروج سرمایه، دارای نوسان کمتری بوده است.

نکته شایان توجه اینکه در سال‌هایی که منابع ارزی کشور بهویژه از ناحیه کاهش درآمدهای نفتی کاهش یافته، مصارف ارزی به همان نسبت سال‌های پیش حفظ شده و تغییر چندانی نکرده است. در واقع، شواهد موجود حاکی از چسبندگی کل مصارف ارزی در مقابل کاهش منابع ارزی است. در این شرایط، در صورتی که مدیریت و نظارت‌های دقیق بر طرفهای عرضه و تقاضای ارز صورت نپذیرد، شرایط ارزی اقتصادی کشور دستخوش بی‌ثباتی می‌شود؛ همان‌گونه که شواهد تجربی سال ۱۳۹۷، به خوبی گواه آن است. بدون شک مدیریت مصارف ارزی کشور با در نظر گرفتن کاهش

بی‌ثباتی و عدم مشخص بودن آینده اقتصادی در کشور وجود داشته باشد، جهش‌های ارزی از ناحیه افزایش هزینه‌های تولید به دلیل وابستگی تولید به کالاهای واسطه‌ای، مواد اولیه و کالاهای سرمایه‌ای و نیز شکل‌گیری انتظارات تورمی، سطح قیمت‌ها و تورم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این شرایط، روند قیمت‌های نسبی نیز بی‌ثبات می‌شوند و از سویی، ریسک سرمایه‌گذاری در تولید به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، کاهش سود و سلب توان برنامه‌ریزی سرمایه‌گذار، به‌شدت افزایش می‌یابد که موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری می‌شود. جهش‌های نرخ ارز افزون بر ایجاد بی‌ثباتی در فعالیت‌های اصلی و عمدۀ اقتصادی، جامعه را در ابعاد اجتماعی نیز مانند کاهش اعتماد و افزایش فساد و... تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به‌طور اساسی، با کمبود در بازار ارز و متعاقباً افزایش مستمر نرخ ارز، صادرکننده تمایل دارد ارز خود را خارج از پیمان ارزی در بازار سیاه بفروشد. همچنین، واردکنندگان تمایل دارند بخشی از ارز اختصاص یافته به خود را در آن بازار عرضه کنند و سود ببرند. عوامل سوداگر حقیقی و فردی هم تمایل دارند ارز را خریداری کنند و گران‌تر بفروشند. در چنین، شرایطی مظنه فساد وجود دارد. اساساً اگر ما به روند رخدادهای گذشته نگاه اجمالی بیندازیم، ملاحظه می‌کنیم که با تغییر قیمت‌ها و بالا بردن آن‌ها به‌هیچ‌وجه نتوانستیم زمینه‌های گسترش فساد را محدود کنیم. بنابراین، باید همگام و هم‌راستا با مدیریت، نظارت شدید را هم اعمال کرد؛ زیرا فساد هم اقدامات اصلاحی را به ضد خودش تبدیل می‌کند و هم وضعیت اقتصاد را بدتر از پیش می‌سازد.



توجه به نتایج مطالعه حاضر، پیشنهادهایی برای مدیریت بهتر منابع و مصارف ارزی، تسهیل و افزایش صادرات و تسهیل و کاهش واردات در شرایط تحریم به طور مختصر در قالب جدول ارائه می‌شود.

درآمدهای ارزی باید به گونه‌ای باشد که ارز حاصل از صادرات برای تأمین کالاهای ضروری استفاده شود. در این زمینه نیاز است تا بانک مرکزی نیز تمام تلاش خود را به کار بندد تا با امکانات محدود خود بهترین تصمیمات را در این باره بگیرد. اکنون با

#### جدول ۵- راهکارهای اجرایی مدیریت منابع و مصارف ارزی

ملاحظات	زمان‌بندی	دستگاه متولی	الزامات راهبردی	توصیه سیاستی
بر همین اساس کالاهای اساسی، دارو، تجهیزات پزشکی... و زودتر از دیگر کالاهای مدنظر قرار گیرد	کوتاه‌مدت و میان‌مدت	بانک مرکزی	منوعیت یا کاهش واردات کالاهای غیراساسی	اولویت‌بندی تخصیص ارز به کالاهای وارداتی
نظارت مداوم بر آن	کوتاه‌مدت و میان‌مدت	بانک مرکزی	حذف معافیت‌های صادراتی و اعمال جریمه ارزی در صورت عدم انطباق ارز ورودی به کشور با سند کشور مقصد صادرات	الزام به برگشت ارز تمام صادرکنندگان خرد و کلان بر اساس سند مقصد صادرات
الزام بانک‌ها در اعطای تسهیلات با نرخ سود پایین نقش مهمی در کاهش هزینه‌های تولید خواهد داشت	کوتاه‌مدت و میان‌مدت	وزارت صمت و بانک مرکزی	تدوین قوانین و مقررات تجاري در راستای تسهیل صادرات	تولید کالاهای با استانداردهای کیفیتی بالا (و قابل رقابت با تولیدات بین‌المللی)
قطع وابستگی بودجه به نفت در فرایند زمانی معقول و منطقی	میان‌مدت (باشه ۱ تا ۴ سال)	سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی	نرخ تعییر ارز توسط بانک مرکزی و به طور مستقل در چهارچوب سیاست‌های پولی تعیین شود	استقلال نرخ ارز از بودجه
ایجاد ثبات اقتصادی کلان و کنترل تورم و ایجاد جذابیت سرمایه‌گذاری در کشور	کوتاه مدت و میان‌مدت	بانک مرکزی، سازمان توسعه و تجارت، گمرک جمهوری اسلامی	- تصویب قوانین و مقررات کنترلی شدید در مورد صرافی‌ها جهت محدودسازی انتقالات ارزی به خارج کشور - رصد جریان کالا، پول و ارز در کشور از سوی سامانه جامع تجارت و سامانه‌های نظارتی - کنترل کم‌اظهاری کالاهای صادراتی، مهار بیش ازهاری کالاهای وارداتی در کشور	جلوگیری از خروج سرمایه از کشور
جایگزینی واردات به صور مبنایی در کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای	میان‌مدت و بلندمدت	وزارت صمت	۱- تدوین و اجرای راهبردهای مناسب صنعتی و ۲- حمایت و فعال کردن صنایع پایین دست در بخش نفت و پتروشیمی (به طور مشروط و دقیق)	تدوین و اجرای راهبردهای تجاری
تعامل ضروری و مکمل میان بخش‌های خدمات و تولید	میان‌مدت و بلندمدت	وزارت صمت	روش‌های فنی مدرن تولید و تولید انبوه در همه کالاهای و خدمات و حتی کشاورزی	اهتمام به تولید داخلی
سازمان‌دهی این شرکتها برای کاهش هزینه‌های مبادله	کوتاه‌مدت و میان‌مدت	بانک مرکزی	ارتقای نظارت عملیاتی بر فعالیت تراستی‌ها	تقویت ارتباط میان شرکت‌های تراستی و بانک مرکزی

- شاکری، عباس (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران.

ایران، تهران: انتشارات رافع.

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

. ۱۴۰۲ (<https://www.cbi.ir>)

#### منابع

